بررسی صحت علمی کتابهای فارسی دورهٔ دبستان

دکتر حیدر قمری*

چکیده

این مطالعه با هدف تبیین وضعیت کتابهای فارسی دورهٔ دبستان از نظر صحت و اعتبار علمی انجام شده است. روش این مطالعه کیفی و نوع آن اسنادی است و بر اساس آن، اسناد مورد نظر، یعنی کتابهای فارسی(خوانداری) شش پایهٔ دبستان بررسی و با توجه به هدف تحقیق، فیش‌برداری شد. به گونه‌ای که ابتدا بخشهای ظاهراً ناصحیح آنها استخراج، سپس اشکالات احتمالی با منابع معتبر همچون فرهنگها و دیگر مراجع مطابقت داده شد. شواهدی که با منابع همخوانی و سازگاری داشت، حذف شد و تنها اشکالات ناساز با منابع، در فرایند بررسی حفظ شد و مصداق عدم صحت به حساب آمد. در مرحلهٔ بعد، اشکالات و قسمتهای ناصحیح محتوای کتابهای مورد نظر در چند بخش و به ترتیب فراوانی، دسته‌بندی و تحلیل شد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر مطالب کتابهای بررسی‌شده به لحاظ علمی صحیح است، اما پاره‌ای از موضوعات صحت لازم را ندارد. مصادیق عدم صحت و اعتبار علمی محتوای این کتابها در زمینه‌های توضیحات واژگانی، متن درسها، نام‌نامه، ویرایش، اطلاعات ادبی، کاربرد واژگان، مأخذدهی و در نهایت ساختار کتابها قابل دسته‌بندی است. افزون بر این، می‌توان گفت هرچه محتوای درسها تخصصی‌تر و ادبی‌تر می‌شود یا در متنها اطلاعات زبانی و ادبی بیشتری ارائه می‌شود، تعداد خطاها نیز افزایش می‌یابد. باتوجه به اینکه محتوای درسی ناصحیح یا مخدوش، درک و دریافت مخاطبان را دچار اشکال و اختلال می‌کند و منجر به بدفهمی می‌شود، بایسته است مدیران، برنامه‌ریزان و مؤلفان، زمینهٔ بررسی، اصلاح و بهسازی کتابهای درسی را فراهم نمایند.

کلید واژگان: دورهٔ دبستان، صحت علمی، کتابهای فارسی

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۴

* استادیار دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول) h.ghamari@cfu.ac.ir

این نوشتار را پیشکش می‌کنم به استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر حسن انوری، به پاس اهتمام کم‌نظیرشان به تألیف کتابهای درسی به‌سامان برای نسل من.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

مقدمه

کتاب درسی در آموزش و پرورش کشور ما یکی از منابع اساسی برنامه‌های درسی محسوب می‌شود و شاید تنها منبعی است که در ارتباط با برنامهٔ درسی، در اختیار معلم و شاگرد قرار می‌گیرد(شکوهی، ۱۳۸۷). این رسانهٔ کم‌نظیر در بردارندهٔ بخشهای محتوایی، تصاویر و تمرینهایی است که در راستای تحقق هدفهای پیش‌بینی‌شده، در هزار و دویست عنوان، و صد و چهل میلیون نسخه برای چهارده میلیون دانش‌آموز سازمان‌دهی، تولید و منتشر می‌شود(ایسنا، ۱۳۹۷). کتاب درسی اولین، عمومی‌ترین و پرمصرف‌ترین ابزار کار معلم و اغلب تنها عامل انتقال دهندهٔ هدفها و برنامه‌ها است. از این رو آنچه به عنوان متن درسی به مدرسه وارد می‌شود، باید تصویر صادق و کامل آرمانها و مقاصد تربیتی باشد. کتاب درسی باید هدفهای تربیتی را به کلاس منتقل کند و موجبات اجرای توصیه‌ها و اصولی را که به عنوان روشهای اجرایی مطلوب عرضه شده‌اند برای معلم فراهم آورد(معیری، ۱۳۹۰). فراتر از این، چنان‌که میک[1] (۱۳۹۳، ص ۶) می‌گوید، کتابهای درسی خوب همانا گنجهایی سرشار و ثروتهایی زاینده‌اند. هم ایشان(ص۹) بر آن است که کتابهای درسی قلب مراکز آموزشی هستند.

نظر به اهمیتی این چنینی که کتاب درسی دارد و نیز با عنایت به قرائن و شواهد در زمینهٔ وجود پاره‌ای اشکالات که مؤید عدم صحت در بعضی بخشهای کتابهای درسی آموزش و پرورش است، مطالعهٔ حاضر به انجام رسیده است. بعضی از این شواهد در مطالعهٔ قمری(۱۳۹۱ و ۱۳۹۳) مربوط به ارزشیابی کتب فارسی پایه‌های اول و چهارم دبستان و نیز مطالعهٔ ایشان(۱۳۹۵) با عنوان «ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دورهٔ دوم متوسطه بر اساس مؤلفه‌های "جامعیت" و "صحت و اعتبار علمی» مندرج است. گذشته از آن، در بررسی اجمالی کتابهای درسی فارسی نیز به شواهدی برمی‌خوریم مبنی بر اینکه این کتابها به لحاظ صحت شایستهٔ بررسی و اصلاح‌اند. دراینجا نمونه‌ای ذکر می‌شود: در کتاب فارسی پایهٔ هفتم(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ب، ص۱۵۰)[2] داستانی به نام "آدم آهنی و شاپرک" وجود دارد که متنی ترجمه‌ای از ویتاتو ژیلینیسکای[3] لیتوانیایی است. در واپسین بند این متن "گل" و "رایحهٔ گل" به درخت بلوط نسبت داده شده است: "زیر آن ملافهٔ سفید که درست مثل کفن بود، آدم آهنی ساکت بود ولی شب، وقتی

1. Mikk

۲. در متن این مقاله به سبب رعایت پایبندی به قواعد مأخذنویسی منتخب، از ذکر نام کتابهای درسی منتشرشده در سال ۱۳۹۶ خودداری شد و به جای آن از حروف الف، ب، پ، و.... برای تفکیک نام کتب استفاده شد.. لذا سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶الف)، *فارسی اول دبستان*، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی(۱۳۹۶ب) *فارسی پایهٔ هفتم*، و... *است. رک. بخش منابع پایانی.*

3. Vytautė Žilinskaitė

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

باد از بیرون به داخل سالن نمایشگاه می‌وزید و با خود رایحهٔ گلهای درخت بلوط و صدای خش‌خش برگهایش را می‌آورد...". با مشخصاتی که عرفاً از درخت بلوط و همچنین از ویژگیهای گل سراغ داریم، این درخت گل ندارد. لذا با بررسی ترجمهٔ انگلیسی داستان معلوم شد آنچه به بلوط ترجمه‌شده «Chestnut trees» است، که باید به «درختان فندق/شاه بلوط» ترجمه می‌شد و نه بلوط که معادل آن «oak» است[۱].

این کاستیها و نقایص به عدم صحت علمی متون درسی محدود نمی‌شود، بلکه گاهی نبود یا نقص پاره‌ای از اطلاعات ضروری درک و دریافت مخاطبان کتابها را با اشکال مواجه می‌کند، چنان که فهم بیت زیر در درس روباه و زاغ، در کتاب فارسی چهارم دبستان(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ت، ص۳۵) به سبب این کاستی دشوار است:

پر و بالت سیاه رنگ و قشنگ/ نیست بالاتر از سیاهی رنگ.

ملاحظه می‌شود ربط دو مصراع با توجه به اصطلاح غلط‌انداز"بالاتر از سیاهی رنگی نیست"برای فارسی زبانان معاصر دشوار است. لذا باید توضیح داده می‌شد که "بالاتر"به معنای "برتر"است و مصراع دوم، برگرفته از هفت پیکر نظامی(۱۳۷۷، ص۱۸۱) است و جای آن هم داخل گیومه است. سایر بیتهای همراه مصراع یادشده که درستایش رنگ سیاه(سیاهی) است، در هفت پیکر از این قرار است:

...در سیاهی شکوه دارد ماه/چتر سلطان از آن کنند سیاه

هیچ رنگی به از سیاهی نیست/داس ماهی چو پشت ماهی نیست...

هفت رنگ است زیر هفت اورنگ/نیست بالاتراز سیاهی رنگ

علاوه بر وجود قرائنی مانند آنچه گفته شد، اهمیت و جایگاه بی‌بدیل کتابهای درسی در نظام آموزشی، ما را به اجرای پژوهشهایی از این دست سوق می‌دهد؛ بنابراین، باید مهم‌ترین ویژگی این کتابها "صحت و اعتبار علمی" باشد و هر نوع ارزشیابی یا اعتبارسنجی نیز با محوریت این امر صورت گیرد. کتابهای مناسب، تضمین‌کنندهٔ کیفیت نظام آموزشی و تحقق‌بخش اهداف مربوط هستند. به عکس، عدم صحت جزیی یا کلی کتاب درسی نه تنها موجب تحقق نیافتن اهداف پیش‌بینی‌شده می‌شود، بلکه بدفهمی و درک نادرست و نهایتاً اتلاف سرمایه‌ها و عقب‌ماندگی علمی را سبب می‌شود. لذا مطالب نویافتهٔ علمی، فرضیات یا باورهای شخصی، مطالب فاقد سند معتبر و

۱. البته همهٔ درختان میوه‌دار گل یا شکوفه می‌دهند، هر چند بعضی از انواع گل یا شکوفه به نوع رایج خود شبیه نیستند. در این صورت، تصور عرفی و عمومی _که در ادبیات داستانی با آن سروکار داریم_آنها را گل یا شکوفه به حساب نمی‌آورد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

مانند آن، جایی در کتاب درسی ندارد و لازم است محتوای این گونه آثار چنان که ملکی(۱۳۹۱) هم می‌گوید، برگرفته از اصول و مبانی پذیرفته شدهٔ علمی باشد و پیوسته اعتبار آن مورد بررسی قرار گیرد. از این روست که صحت و اعتبار علمی یکی از ابعاد اصلی کیفیت و مطلوبیت کتاب درسی به شمار آمده است(میک، ۱۳۹۳؛ ملکی، ۱۳۸۵). نظر به این ضرورت، مطالعهٔ حاضر عملی شد. باشد که از گذر آن، دفتر تألیف کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش توجه و تمرکزی افزون‌تر به این جنبه از محتوای تولیدشده معطوف نماید.

ذکر این نکته ضروری است که ارائهٔ پاره‌ای از کاستیهای کتابهای درسی به منزلهٔ نادیدن محاسن فراوان این کتابها نیست. چه، این کتابها نقاط قوت فراوان دارند که با جد و جهد همکاران دفتر تألیف و مؤلفان محترم آنها محقق شده است و در اینجا نگارنده به عنوان کاربر محتوای آموزشی، روایتگر زوایایی از این آثار است که شایستهٔ تصحیح، تکمیل و تکامل‌اند. از این رو می‌توان انتظار داشت که نتیجهٔ این مطالعه، بهسازی آثار مورد اشاره باشد. نکتهٔ گفتنی دیگر این است که بررسی حاضر نه به تبیین وضعیت مطلوب برای این کتابها، بلکه تنها بررسی بخشی از وضع موجود است. به دیگر سخن، در این مطالعه، کتابهای درسی بر اساس اطلاعات موجودشان بررسی شده‌اند، نه آنچه باید باشند.

هدف پژوهش

- تبیین وضعیت کتابهای فارسی دورهٔ دبستان از نظر صحت و اعتبار علمی

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ ارزشیابی کتابهای درسی فارسی جدیدالتألیف دورهٔ دبستان تاکنون پژوهشهای زیر انجام شده است:

قمری(۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "ارزشیابی کتاب درسی فارسی اول دبستان"، در سال آغازین انتشار و تدریس این کتاب، آن را بررسی کرده است. وی طی پژوهش حاضر، کتاب درسی فارسی اول ابتدایی(چاپ سال۱۳۹۰)، کتاب کار مربوط، کتاب راهنمای معلم، دوره‌های آموزشی ضمن خدمت معلمان و نیز محتوای لوح فشردهٔ طرح همسوسازی با برنامهٔ درسی ملی را ارزشیابی کرده است. بررسی عناصر و مؤلفه‌های کتاب و برنامهٔ درسی(از جمله موضوع صحت علمی) مهم‌ترین اهداف طرح بوده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

احقر(۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "ارزشیابی کتاب فارسی و کتاب کار پایهٔ دوم و ششم دورهٔ ابتدایی"، محتوای دو اثر را ارزیابی کرده است، اما از بررسی صحت محتوای دو کتاب درسی_ مگر آیین نگارش_ در مطالعهٔ وی خبری نیست.

دستجردی(۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "ارزشیابی از بستهٔ آموزشی زبان فارسی سوم ابتدایی"، صحت محتوای کتاب از نظر حوزهٔ یادگیری مربوط را سنجیده است و نه موضوع صحت علمی را.

قمری(۱۳۹۳) در پژوهشی به "ارزشیابی کتاب درسی فارسی چهارم دبستان(خوانداری)"، پرداخته است. یافته‌های مهم این مطالعه را می‌توان چنین برشمرد: انتخاب متنهای کتاب کاملاً بر اساس معیارهای ادبی و هنری صورت نگرفته است. عمدهٔ مطالب کتاب به لحاظ علمی صحیح است. از منظر مأخذدهی کتاب وضعیت مناسبی ندارد، زیرا از مجموع ۳۵ متن(شامل متن درسها، حکایات، مطالب آموزشی و...) ۱۹ متن دارای نام پدیدآور یا مأخذ و ۱۶ متن فاقد آن است.

چنان که ملاحظه می‌شود، این کتابها از سویی _ به جز در دو مطالعهٔ قمری(۱۳۹۱) و (۱۳۹۳)، آن هم به شکلی جزیی_ از منظر مورد توجه این مقاله بررسی نشده‌اند و از دیگر سو، در منابعی چون زندی(۱۳۹۲) گفته شده اکنون کتابها و دیگر مواد آموزشی بدون هیچ‌گونه آزمایش علمی در اختیار فارسی‌آموزان قرار می‌گیرند و این از اعتبار این مواد به‌شدت می‌کاهد. از این رو، انجام پژوهش حاضر که در نوع خود نخستین مورد است، ضروری است.

روش‌شناسی پژوهش

روش این مطالعه کیفی و نوع آن اسنادی است و از گذر آن، اسنادی که حاوی اطلاعاتی پیرامون موضوع پژوهش بودند، بررسی و تحلیل شده است. از این رو، بخشهایی از اسناد مورد نظر، یعنی کتابهای فارسی(خوانداری) شش پایهٔ دبستان چاپ سال ۱۳۹۶[1] بررسی و با توجه به هدف پژوهش، فیش‌برداری شد. به گونه‌ای که ابتدا بخشهای ظاهراً ناصحیح آنها استخراج، سپس اشکالات احتمالی با منابع معتبر و روزآمد همچون فرهنگها و دیگر مراجع مطابقت داده شد. شواهدی که با منابع همخوانی و سازگاری داشت، از محتوای پژوهش حذف گردید و تنها اشکالات ناساز با منابع، در فرایند بررسی حفظ شد و مصداق عدم صحت به حساب آمد. در مرحلهٔ بعد و همسو با روش معمول در نظریهٔ زمینه‌ای[2] _ که به پژوهشگر امکان می‌دهد به جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود براساس داده‌های واقعی و به صورت استقرایی، به تدوین نظریه یا

۱. این کتابها هم اکنون(سال۱۳۹۸) بدون تغییر در فرایند آموزش قرار دارند.

2. Grounded Theory

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

الگو یا پاسخ به پرسش‌اش اقدام کند_، اشکالات و مصادیق عدم صحت محتوای کتابهای مورد نظر در چند بخش و به ترتیب فراوانی، دسته‌بندی و تحلیل شد. بررسی حاضر، کتابهای کار یا راهنماهای معلم را شامل نمی‌شود.

داده‌های پژوهش و تحلیل آنها

به منظور دستیابی به پاسخ پرسشِ(هدفِ) پژوهش، یعنی وضعیت کتابهای فارسی دورهٔ دبستان از نظر صحت و اعتبار علمی، در این بخش تنها شواهد و داده‌های عدم صحت کتابها گردآوری شده است. این یافته‌ها، در چند دستهٔ زیر طبقه‌بندی شده‌اند که به اختصار در پی می‌آیند[۱]:

الف. شواهدی از عدم صحت و اعتبار علمی پاره‌ای از توضیحات واژگانی:

۱. **بلور:** نوعی شیشهٔ شفاف که برای ساخت ظرف به کار می‌رود(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص ۱۳۰). اصل کلمه در صفحه ۲۵ کتاب، در "قصهٔ تنگ بلور" آمده است. معنای ارائه‌شده هویت دستوری اسمی دارد، در حالی که "بلور" در این بافت "صفت" و به معنای "بلورین" است. لذا می‌بایست در بیان معنی گفته می‌شد:"ساخته‌شده از شیشهٔ شفاف...". چنان که می‌دانیم، یک کلمه در بافتهای زبانی متفاوت، ممکن است هویت دستوری‌اش تغییر کند، یعنی گاهی صفت، گاهی اسم، گاهی قید و... باشد و به تبع تغییر هویت دستوری، معنایش هم تغییر نماید.

۲. **ترقه:** نوعی بمب دست‌ساز کوچک(همان منبع، ص ۱۳۱). در متن کتاب، صفحه ۳۹ اصل لغت آمده است: "صدای گوش‌خراش ترقه‌ها و فشفشه‌ها را فراموش کردی؟". این واژه در انوری(۱۳۸۱) به درستی این گونه معنی شده است: نوعی وسیلهٔ بازی که دارای مادهٔ منفجرهٔ ضعیفی است و بر اثر ضربه یا انفجار تولید صدا می‌کند.

۳. **خلیج:** پیش‌رفتگی نسبتاً وسیع آب در خشکی(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص ۱۳۲). بافت کاربرد این واژه در متن کتاب صفحه ۹۴ این است: "توی دریای خزر، یا که در آب خلیج که بود نام عزیزش فارس... ". چنان که ملاحظه می‌شود، نمی‌توان هر نوع پیش‌رفتگی آب را در خشکی خلیج نامید. بلکه خلیج هم دارای عمق است و هم از چند جهت در محاصره خشکی است و دهانه‌ای تنگ دارد(رک. فرهنگ آکسفورد، نسخهٔ آنلاین، ذیل gulf). تعریف کلمهٔ "خلیج" در صدری افشار و همکاران(۱۳۹۱) این گونه است: "پیش‌رفتگی پهناور و ژرف دریا در فرورفتگی یا شکستگیهای ساحل".

۱. بدیهی است با توجه به گستردگی اطلاعات صحیح و عدم ضرورت درج آنها، از پرداختن به مصادیق مربوط خودداری شده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

۴. **حوض:** جایی برای نگهداری آب(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص ۱۳۲). تعریف ارائه‌شده، تعریفی جامع و مانع نیست و می‌تواند در ذهن خوانندهٔ کم‌اطلاع مصادیق متعددی از جمله بطری، قمقمه، تانکر، بشکه، فلاسک آب(کلمن) و... داشته باشد؛ چرا که هر یک از این وسایل "جایی برای نگهداری آب" هستند. اصل شاهد در صفحه ۷۶ کتاب، به صورت "حوض فیروزه‌ای" آمده است.

۵. **زوزه:** صدای بعضی حیوانات(همان منبع، ص۱۳۳). معنی ارائه‌شده اطلاع روشنی به مخاطب نمی‌دهد. اصل شاهد در متن کتاب صفحه ۱۱۴ این است: "گاه نیز غرش و زوزهٔ جانوران، سکوت جنگل را می‌شکند". در انوری(۱۳۸۱)، «صدای کشیده و شبیه نالهٔ بعضی از حیوانات مانند گرگ، سگ و شغال» معنی شده است.

۶. **سفالی:** ظرف یا اشیاء گلی، چیزی که از گل رس ساخته شده(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص۱۳۳). اصل شاهد در صفحه ۲۶ کتاب، قصهٔ تنگ بلور، آمده است: "تنگهای بلوری و سفالی... ". می‌بایست نوشته می‌شد: "ساخته‌شده از گلِ رسِ حرارت داده‌شده...". معنای ارائه‌شده هویت دستوری اسمی دارد، در حالی که "سفالی" در این بافت "صفت" است. مانند کلمهٔ "بلور"، هویت دستوری این واژه نیز هنگام ارائهٔ معنی رعایت نشده است.

۷. **سنجاقک:** حشره‌ای زیبا و تندپرواز با دوبال بلند و نازک، چشمهای بزرگ و شاخکهای بلند(همان منبع، ص۱۳۳). داشتن شاخکهای بلند از ویژگیهای سنجاقک نیست. اصل شاهد در صفحه ۱۰ کتاب آمده است:

خداوند سنجاقک رنگ‌رنگ/ خداوند پروانه‌های قشنگ

۸. **گردش علمی:** گردش دسته‌جمعی دانش‌آموزان(همان منبع، ص۱۳۵). اصل شاهد در صفحه ۳۲ کتاب مندرج است. این ترکیب در صدری افشار و همکاران(۱۳۹۱) به درستی این گونه معنی شده است: گردشی که برای آشنایی با جایی یا شناسایی چیزهایی انجام می‌گیرد.

۹. **شناسنامه:** نوشته‌ای که اطلاعات شخصی هر فرد در آن می‌آید(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، ۱۳۹۶ت، ص۴۷). اصل شاهد در بخش واژه‌آموزی صفحه ۴۷ ذکر شده است. این تعریف جامع و مانع نیست و ممکن است به هر فرم یا نمونبرگی که اطلاعات شخصی افراد در آن است، اطلاق شود. در انوری(۱۳۸۱)، «ورقه یا دفترچه‌ای که از طرف ادارهٔ آمار یا ثبت

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

احوال صادر می‌شود و در آن نام، سال تولد و صدور، محل تولد و سایر مشخصات فرد نوشته می‌شود؛ سجل» معنی شده است.

۱۰. **کتابنامه:** نوشته‌ای که مشخصات کتابها در آن می‌آید(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ت، ص۴۷). این معنی جامع و مانع نیست.

۱۱. **سروبن:** ریشهٔ درخت سرو(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، ص۴۰). درصورت پذیرش این تعریف، ارزش هنری بیت زیر _که این کلمه در آن مندرج است_ هبوط می‌کند:

نثار روی تو هر برگ گل که در چمنست /فدای قد تو هر سروبن که بر لب جوست(حافظ۴۱)

چنان که می‌دانیم، در بافتهای ادبی این چنینی، "بن" به معنای "بوته" یا "درخت" است و لذا "سروبن" یعنی "درخت سرو".

۱۲. **گلبن:** ریشه و بوتهٔ گل(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، ص۴۰). معنای درست این واژه، بوتهٔ گل یا درخت گل است. در صورت پذیرش معنای مندرج در کتاب درسی، این بیت نیز_که این کلمه در آن مندرج است_ از ظرافت هنری تهی می‌شود:

گلبن حسنت نه خود شد دل‌فروز/ما دم همت برو بگماشتیم(حافظ۲۵۵)

۱۳. **بن دندان:** ریشهٔ دندان(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، ص۴۰). معنای درست "از بن دندان"، از صمیم قلب و با همهٔ وجود است. در صورت پذیرش معنای مندرج در کتاب درسی، باید پذیرفت که بیت زیر توجه ما را به ریشهٔ دندان معطوف کرده و این سخت ناصواب است:

دندانهٔ هر قصری پندی دهدت نونو/پند سر دندانه بشنو ز بن دندان(خاقانی۳۵۸)

۱۴. **آذرگشسب:** به معنی آتش تند و تیز، نامی است در شاهنامهٔ فردوسی که در اصل، اسم یکی از سه آتش مقدس بوده، اما در شاهنامه به معنای آتش جهنده و کنایه از هر چیز مورد نیایش و ستایش آمده و نیز اسم یکی از پهلوانان است(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶چ، ص۱۱۶). معنای درست این کلمه در شاهنامه و در متن کتاب حاضر بر اساس انوری(۱۳۸۱) آتش جهنده و برق است. اصل شاهد در منبع درسی یادشده، صفحه ۳۹ این است:

چو رستم بدیدش برانگیخت اسب/بدو تاخت مانند آذرگشسب

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

۱۵. **ادعا کردن:** طلب کردن مزیتی برای خود(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی،۱۳۹۶چ، ص۱۱۶). اصل شاهد در متن این است: "او چه نعمتی است؟ جز پرگویی و ادعا و در هم‌ریختگی ظاهر؟"(همان منبع، ص ۱۱۲). اولاً واژه‌ای که باید معنای آن را ارائه کرد "ادعا کردن" نیست، بلکه "ادعا" است. ثانیاً معنای درست آن این است: "بیان کردن مطلبی که درستی یا نادرستی آن به اثبات نرسیده است"، انوری(۱۳۸۱).

۱۶. **ستوه آمدن:** خسته شدن... (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶چ، ص۱۱۸). اصل شاهد به صورت"به ستوه آمدن" در صفحه۴۲ کتاب آمده است: "به تنگ آمدن، کنایه از خسته شدن و به ستوه آمدن است". چنان که می‌دانیم تعبیر"ستوه آمدن" در فارسی معاصر کاربرد ندارد، بلکه عبارت فعلی "به ستوه آمدن" به کار می‌رود.

۱۷. **ماشاءالله:** آنچه خدا خواست(همان منبع، ص۱۲۰). بر خلاف معنای ارائه‌شده در این منبع، اصطلاح یادشده در واژه‌نامهٔ فارسی پنجم(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، ص۱۴۹) درست معنی شده است:"هر چه خدا بخواهد، هنگام دعا و بیان شگفتی به کار می‌رود".

ب. شواهدی از عدم صحت بخشهایی از متن درسها

۱. تصویر ارائه شده برای "کندو" (در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی،۱۳۹۶الف، ص ۵۴) نادرست است. آنچه ارائه شده، "شانهٔ عسل"است.

۲. "تمام حیوانات اطراف لانهٔ خود را تمیز می‌کنند"(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص ۳۱). تجربهٔ زیسته نشان می‌دهد دستِ کم حیوانات خانگی این گونه نیستند و اطراف لانهٔ خود را تمیز نمی‌کنند.

۳. در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶ج، ص۷۸)، بیان تعبیر کنایی«هنوز دو قورت و نیمش باقیست»، به یک ماهی در زمان حضرت سلیمان(ع) نسبت داده شده است. ماهی‌ای که انبوه غذای گردآوردهٔ حضرت سلیمان را طی نیم‌قورت خورده و هنوز تا سیری کامل، یعنی سه قورت، به مقدار دو قورت و نیم دیگر غذا لازم دارد[1]. پیداست که میان این تعبیر، که

۱. داستان ضیافت حضرت سلیمان(ع) برای همهٔ مخلوقات، در آثار بسیاری با پاره‌ای تفاوتها مندرج است؛ از جمله در البوشنجی(۱۳۸۴، ص۳۳۱) آمده است: ... سلیمان بفرمود تا از آدمی و دیو و پری و حیوانات هر چه در مملکت او بود طعام گرد کنند... . سلیمان روزی بیرون آمد تا طعامها که جمع کرده بودند، ببیند. چون بدید، از بسیاری آن عجب بماند. حق‌تعالی فرمان داد حیوانی را از حیوانات دریا تا سر از آب برآورد و از سلیمان طعام خواست، سلیمان گفت: هر چند که خواهی بخور. آن جانور دهن باز کرد و تمامت طعامها را که جمع کرده بودند، بخورد. پس گفت: ای سلیمان، مرا دیگر طعام ده که من میهمان توام. سلیمان گفت: سبحان الله. این همه خوردی و سیر نشدی. گفت: آنچه خورده‌ام دو دانگ شکم مرا پر نکرده است. سلیمان از آن حال متعجب شد و او را گفت: تو هر روز این مقدار بخوری؟ گفت: آری. سه چندین بامداد خورم و شب نیز هم این قدر مرا در کار باشد. ای سلیمان چگونه گمان بری که تو خلق خدا را طعام دهی و تو یک جانور را سیر نتوانی کردن؟....

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

مربوط به زبان فارسی آن هم در سده‌های اخیر ایران است(و از شروع کاربرد آن دیری نپاییده) و روایت یادشده، که در تاریخ و جغرافیایی متفاوت رخ داده است، رابطه‌ای قابل تصور نیست. شایان ذکر است قدیم‌ترین شاهد این اصطلاح بر اساس پیکرهٔ زبانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مربوط به اشرف مازندرانی، شاعر سدهٔ یازدهم و اوایل سدهٔ دوازدهم هجری قمری است: لب بر لب یار و دیده‌اش پرخون است/پیمانه همان دو قورت۱ و نیمش باقی است(اشرف مازندرانی، ۱۳۷۳، ص۳۵۴)[۲].

۴. در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶ج، ص ۹۲)، حکایتی مبنی بر اینکه شخصی نزد حکیمی رفته و از او خواسته است که "راز خوشبختی و پیروزی" را به او بگوید، آمده است. حکیم نیز موشی را در جعبه به او داده است... اِلخ. اصل این حکایت در محمد بن منور(۱۳۷۱، جلد ۱، ص ۱۹۷) ذکر شده است و در آن سخن از "اسرار حق" است و نه "راز خوشبختی و پیروزی"؛ به علاوه، به جای حکیم، ابوسعید ابی الخیر محل رجوع و درخواست است. لذا حکایت یادشده مجعول شده و مأخذ آن هم نامذکور است.

۵. "خواجه‌ای دو خدمتکار داشت که به یک نفر، ماهی پنجاه تومان و به دیگری ماهی صد تومان دستمزد می‌داد..." (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ت، ص۵۲). حقوق ماهانهٔ "پنجاه تومان" و "صد تومان" با واژگان "قافله"، "خواجه" و "کاروان" در این متن نوعی زمان‌پرشی ناآگاهانه و عدم همزمانی را نشان می‌دهد. اصل موضوع ترجیح یک خدمتکار بر دیگران در قالب داستان سلطان محمود و ایاز در مولوی(۱۳۸۰، ص ۹۲۲) این گونه آمده است:

چون امیران از حسد جوشان شدند/عاقبت بر شاه خود طعنه زدند
کین ایاز[۳] تو ندارد سی خرد[۴]/جامگی[۵] سی امیر او چون خورد
شاه بیرون رفت با آن سی امیر/سوی صحرا و کهستان صیدگیر
کاروانی دید از دور آن ملک/گفت امیری را برو ای مؤتفک[۶]

۱. در دیوان مذکور، به جای "قورت"، "قرت" مضبوط است. با سپاس از دوست ارجمندم، جناب آقای دکتر محمد شادروی‌منش که شاهد مذکور را در اختیارم قرار دادند.

۲. به نظر می‌رسد منشأ انتساب ناصواب این تعبیر، امینی(۱۳۹۵) باشد که روایت مندرج در اثرش به روایت کتاب درسی نزدیک است.

۳. ایاز: نام غلام ترک سلطان محمود غزنوی، که علاقه و دلبستگی سلطان به او زبانزد بوده است.

۴. سی خرد: خردی به اندازهٔ خرد سی نفر.

۵. جامگی: حقوق؛ دستمزد.

۶. مؤتفک: دروغگو.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

رو بپرس آن کاروان را بر رصد/کز کدامین شهر اندر می‌رسد
رفت و پرسید و بیامد که ز ری/گفت عزمش تا کجا[۱] درماند وی
دیگری را گفت رو ای بوالعلا[۲] /باز پرس از کاروان که تا کجا
رفت و آمد گفت تا سوی یمن/گفت رختش چیست هان ای مؤتمَن[۳]
ماند حیران گفت با میری دگر/که برو وا پرس رخت آن نفر
باز آمد گفت از هر جنس هست/اغلب آن کاسه‌های رازیست[۴]
گفت کی بیرون شدند از شهر ری/ماند حیران آن امیر سست پی
هم‌چنین تا سی امیر و بیشتر/سست‌رای و ناقص اندر کرّ و فرّ
گفت امیران را که من روزی جدا/امتحان کردم ایاز خویش را
که بپرس از کاروان تا از کجاست/او برفت این جمله وا پرسید راست
بی‌وصیت بی‌اشارت یک به یک/حالشان دریافت بی ریبی و شک
هر چه زین سی میر اندر سی مقام/کشف شد زو آن به یکدم شد تمام[۵]

۶. در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶ت، ص۱۲۸) ابیاتی پراکنده از چند جای شاهنامه، آن هم از نسخه یا نسخه‌هایی کم‌اعتبار، در هم پیوسته شده و درج شده است. بیت ششم آن ابیات، ترکیب مبهمِ "بیکاری او" را بی ذکر سابقهٔ اشاره، در خود دارد:

...چه ناخوش بود دوستی با کسی/که بهره ندارد ز دانش بسی
که بیکاری او ز بی‌دانشی است/به بی‌دانشان بر بباید گریست

صورت صحیح بیت مورد نظر و بیت پیش از آن که با هم موقوف المعانی‌اند، در فردوسی(۱۳۸۶، دفتر ششم، ص۶۱۰) از زبان بهرام گور چنین است:

نباید کس آسود از کشت و ورز/ز بی‌ورز مردم مجویید ارز
که بی‌کاری او ز بی‌دانشی است/به بی‌دانشان بر، بباید گریست

۷. درس بازرگان و پسران (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، ۱۳۹۶پ، ص۳۵) که برگرفته از کلیله و دمنه است، مخدوش شده است. خلاصهٔ آن در کتاب درسی چنین است:"بازرگانی

۱. عزمش تا کجا: به کجا می‌رود؛ مقصدش کجاست.
۲. بوالعلا: ای فلان؛ فلانی.
۳. مؤتمَن: امین.
۴. کاسه‌های رازی: کاسه‌های ساخته شده در ری.
۵. از دوست ارجمندم جناب آقای دکتر ایرج شهبازی که این ابیات را در اختیارم قرار دادند، سپاسگزارم.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

بود که سرمایه فراوانی داشت .....، پس اگر بی‌هنر و فضیلت باشید، از شما دوری جویند. چنان که موش اگر چه با مردم هم‌خانه است، چون موذی است، او را از خانه بیرون اندازند و در هلاک آن کوشند". داستان«بازرگانی بود...»، در بند آخر نصرالله منشی(۱۳۶۱، ص ۵۹) شروع شده و در بند اول صفحه ۶۰ آن اثر، پایان یافته است و بنابراین، مطالب صفحه ۳۵ کتاب درسی کم و بیش مطابق مأخذ اصلی است؛ اما مطالب ادامهٔ آن در صفحه ۳۶ کتاب درسی، نه گفتهٔ بازرگان خطاب به پسران، بلکه بخشهایی از گفته‌های دمنه در صفحات ۶۲ ، ۶۸ و ۶۹ نصرالله منشی(۱۳۶۱) است. در نتیجه باید اذعان کرد آنچه در کتاب درسی مذکور است، ابتدا و انتهای آن ارتباطی به هم ندارد و متعلق به یک داستان نیست و با ترکیب متنهایی از چهار جای کلیله تحت عنوان "بازرگان و پسران" به صورتی مخدوش ارائه شده است.

پ. شواهدی از عدم صحت و اعتبار علمی نام‌نامه (اعلام)[۱]

۱. نام‌نامه، فاقد بعضی از اسامی خاص مانند "فردوسی"، "مازندران" و... است که در کتاب درسی نام آنها مذکور است(رک. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶چ، صص۱۲۲ تا ۱۲۷).

۲. گاهی میان حجم اطلاعاتی که برای نامهای گوناگون آمده است، تعادل و توازن وجود ندارد. برای نمونه، آنچه در وصف "مهدی آذر یزدی" ذکر شده بیش از اطلاعاتی است که دربارهٔ "بیهقی" آمده است(رک. همان منبع، همان صص).

۳. گاهی پاره‌ای اطلاعات ضروری دربارهٔ بعضی از اعلام مغفول است. چنان که مثلاً زمان نگارش تاریخ بیهقی در آن مندرج نیست(رک. همان منبع، همان صص).

۴. در مورد ظهیری سمرقندی گفته شده است: "وی کتاب سندبادنامه را از فارسی دری به نثر روان ترجمه کرد" (همان منبع، ص۱۲۵). چنان که می‌دانیم، عمل "ترجمه" از زبانی به زبان دیگر است و تهذیب و بازنویسی یک اثر در داخل یک زبان(مانند این کتاب)، ترجمه به حساب نمی‌آید؛ به علاوه، ظهیری سندبادنامه را به نثر فنی_ و نه روان_ آراسته است.

۵. عدم روشمندی و برخوردار نبودن از الگوی محتوایی و ساختاری منسجم در این اعلام مشهود است و توضیحات لازم برای اسامی همگون، مانند سال تولد، آثار، اعمال، سال درگذشت و... یکسان عرضه نشده است. در نتیجهٔ این بی‌روشی، ایرج میرزا(۱۲۵۲-۱۳۰۴ه.ش.) "از شاعران

۱. در میان کتابهای فارسی دبستان، تنها فارسی پایهٔ ششم(صص ۱۲۲ تا ۱۲۷) دارای نام‌نامه است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

معاصر" دانسته شده، اما علی اکبر دهخدا(۱۲۵۷-۱۳۳۴ه.ش.) "نویسندهٔ معروف قرن چهاردهم هجری قمری" به حساب آمده است(رک. همان منبع، صص۱۲۲تا۱۲۷).

ت. شواهدی از وجود اشکالات ویرایشی

۱. "مادرم از فروشگاه پارچه گل‌دار قشنگی خریده بود"(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶الف، ص۸۱)؛ از آنجا که همهٔ فعلهای این درس ماضی ساده است، فعل این جمله نیز باید این چنین باشد؛ لذا "خرید" مناسب‌تر است.

۲. جنگ تحمیلی: جنگی است که حکومت صدام از عراق، به مدت هشت سال میهن عزیزمان ایران را مورد حمله قرار داد(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص۱۳۱). می‌بایست پیش از کلمهٔ "حکومت"، ترکیب "طی آن" می‌آمد تا مفهوم تکمیل گردد.

۳. با وجودی که درس جغرافی را خیلی خوب خوانده بودم... .(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ت، ص۱۱۶). بهتر بود گفته می‌شد: با اینکه درس جغرافی را خیلی خوب خوانده بودم... .

۴. "چند تا قاب فروخته‌ای؟...چیزی نفروختم"(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، ص۹۹). روشن است که نوع فعل در دو جمله یکسان نیست.

ث. شواهدی از عدم صحت بخشهایی از اطلاعات ادبی

۱. "شیر کوچولو ... شیر مادرش را می‌خورد. با دم او بازی می‌کرد"(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ت، ص۴۸). براساس بند ۶ صفحه ۵۱ کتاب یادشده، موضوع بازی کردن بچه شیر با دم مادرش در این متن "مَثَل" به حساب آمده است. چنان که می‌دانیم، مَثَل عمدتاً کاربردی کلیشه‌ای، آهنگین، مجازی/تشبیهی دارد که آموزه‌ای تربیتی- اخلاقی هم در آن است و داستانی در پس دارد و برای تفهیم یک موضوع به کار می‌رود(رک. انوری۱۳۸۱). عبارت یاد شده فاقد این ویژگیهاست، از این رو مَثَل نیست. اما شعر ایرج میرزا، مثالی مناسب‌تر برای این امر است که از قضا در همان منبع درسی، صفحه ۱۱۲ مندرج است:

گفت ای موش لوس یک غازی/ با دم شیر می‌کنی بازی؟

۲. در کتابهای درسی فارسی، اصطلاحات "افسانه"، "حکایت"، "داستان"، "داستانک"، "داستان کوتاه"، و "قصه" مترادف هم دانسته شده‌اند(مانند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، صص ۳۸، ۶۷، ۱۱۹). این امر فهم تفاوت این مقوله‌ها را بر دانش آموزان دشوار می‌سازد و با آموخته‌های دانشجومعلمان و آموزگاران هم ناسازگار است. چه، دانشجومعلمان

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

آموزش ابتدایی در برنامهٔ درسی دورهٔ کارشناسی خود (۱۳۹۴) از جمله در درس «آموزش زبان فارسی ۲» با تفاوتهای ساختاری و معنایی این مقولات آشنا می‌گردند.

۳. شعر چنار و کدوبن(سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶پ، ص۳۹) از ناصر خسرو دانسته شده است. این شعر هم در دیوان ناصر خسرو(۱۳۷۸، ص ۵۲۲) و هم در دیوان انوری(۱۳۷۶، ۵۶۵/۲) با کمی تفاوت مذکور است. از قضا بیت آخر آنچه در کتاب درسی مندرج است، عیناً مطابق ضبط دیوان انوری است و نه ناصر خسرو. از آنجا که مصححان فاضل این دو اثر، مرحومان مینویی و مدرس رضوی از پس تأیید صحت انتساب شعر بر نیامده‌اند، لازم نیست در کتاب درسی شعر با قطعیت به یکی از این دو شاعر منتسب گردد. می‌توان دستِ کم در راهنمای معلم انتساب آن را به دو شاعر به آموزگاران گوش‌زد کرد.

ج. شواهدی از کاربرد ناصحیح واژگان

۱. کلمهٔ "واژه‌سازی" در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی(۱۳۹۶ث، از جمله در صص ۲۷،۱۹، ۳۳، ۳۹، ۴۴، ۵۸، ۶۶، ۷۴، ۸۳، ۹۶، ۱۰۸،۱۰۴)، درست به کار نرفته است؛ از جمله اینکه معنای "بیان معنی واژه" از آن مستفاد می‌شود؛ حال آنکه معنای آن "عمل یا فرایند ساختن واژه است"(صدری افشار و همکاران، ۱۳۹۱). در راهنمای معلم پایهٔ دوم هم این اصطلاح توضیح داده نشده است.

۲. معنای کلمهٔ "واژه‌آموزی"، قاعدتاً "یاددادن واژگان جدید و ناآشنا و معانی آنهاست". چنان که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶ت، صص ۴۷، ۶۶ و....)، این معنی به درستی از کلمه برداشت می‌شود. اما در مواردی، گویا معانی دیگری پیدا کرده است؛ از جمله در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶ج، ص ۳۳)، مصداق معنایی این کلمه، اشتقاق و صرف زبان دانسته شده است و نه به آموزش دادن واژه‌های جدید. واژهٔ حاضر در منبع یادشده، صفحه ۵۹، و نیز صفحه ۱۰۴ معانی دیگر پیدا کرده است. هم‌چنین در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶پ، صص ۱۳۲–۱۳۳)، در ذیل "واژه‌آموزی"، موضوع "ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در جمله"، آموزش داده شده است، که امری نادرست است. در سایر موارد که این لغت به کار برده شده، عمدتاً معانی واژگان بر اساس هویت دستوری توضیح داده شده است و به موضوع ساختار واژه‌ها و ساخت معانی جدید برای کلمات باتوجه به پسوند آنها پرداخته شده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

۳. در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی(۱۳۹۶چ، از جمله در صص ۴۸،۶۱، و...)، عبارت "درس‌پژوهی" به معنای "جستجوی موضوعات مرتبط با مطلب هر یک از درسها[عمدتاً] در خارج از کلاس...[و طرح آن در کلاس]" آمده است. در حالی که این عبارت یک اصطلاح خاص علمی و آن گونه که سرکارآرانی(۱۳۹۴) می‌گوید، الگوی عملی بازبینی مداوم مدلهای ذهنی و بازاندیشی مشارکتی عمل کارگزاران آموزشی و الگوی مؤثر برای بهبود مستمر آموزش در مدرسه/ کلاس است. چنان که مشاهده می‌شود درس‌پژوهی عملی است که معمولاً معلمان همپایه انجام می‌دهند، نه دانش‌آموزان؛ لذا معنای مستفاد از آن از سوی مؤلفان کتابهای فارسی صحیح نمی‌نماید.

چ. شواهدی از اشکالات مأخذدهی

۱. کتابهای فارسی اول تا پنجم فاقد کتابنامهٔ پایانی هستند. تنها کتاب ششم منابعی در انتها دارد.

۲. بسیاری از متنهای کتابها کاملاً فاقد مأخذ یا نام پدیدآور هستند؛ از جمله در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ت، در این درسها: "آفریدگار زیبایی"(ص ۱۳)؛ "راز نشانه‌ها"(ص ۳۱)؛ "مَثَل"(ص ۵۲)؛ "آرش کمانگیر"(ص ۵۷)؛ "امید"(ص ۱۰۷)؛ "پرسشگری"(ص ۱۲۴)؛ و... . اطلاعات بعضی از مآخذ نیز ناقص است، از جمله شعر "روباه و زاغ" (همان منبع، ص ۳۵) که تنها گفته شده بازآفرینی شعر از حبیب یغمایی است.

۳. در اندک مواردی هم که در انتهای متون به پدیدآوران اشاره شده است، نام کتاب مربوط ذکر نشده است تا درصورت لزوم، مخاطبان به آن مراجعه نمایند. برای مشاهدهٔ شواهد اشکال در مأخذدهی در کتاب فارسی سوم (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج،) به عنوان نمونه این صفحات ملاحظه شود: ۵۸،۵۲،۴۷،۳۹،۳۲،۲۷،۲۱،۱۹،۱۴،۱۰و... . با توجه به اینکه کتاب درسی برای مخاطبان آن جنبهٔ الگویی دارد، رعایت امانت و مأخذدهی در آن حیاتی است و آنان را برای فعالیتهای علمی آتی، مسؤول و متعهد بار خواهد آورد.

ح. شواهدی از عدم تناسب ساختار متنها و فصول

۱. به نظر می‌رسد ساختار بخشهای کتابهای درسی مبنایی پذیرفته‌شده ندارند و معلوم نیست منشأ و مبنای تقسیم‌بندی آنها چیست. تقسیم‌بندی محتوا براساس بخشهایی چون نهادها، بهداشت، اخلاق فردی و اجتماعی، راه زندگی، طبیعت و... غریب است، زیرا اغلب این بخشها معمولاً کتاب ویژهٔ خود را دارند؛ مثلاً مطلب "نهادها" (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۶ج، ص ۱۱، فصل یک)، جایش در کتاب مطالعات اجتماعی است، نه در کتاب فارسی.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

تبیین درس"زنگ ورزش" در زیرمجموعهٔ این فصل نیز به عنوان نهاد دشوار می‌نماید. گرچه خود مقولهٔ "ورزش" در نهایت جزء نهاد تعلیم و تربیت است.

۲. گاهی متنها در ذیل فصلی که ماهیتاً به آن تعلق دارند، قرار نگرفته‌اند؛ مانند "قصه تنگ بلور" (همان منبع، صفحه۲۵) که ذیل فصل "نهادها" آمده است و می‌بایست با توجه به ماهیت آن، ذیل فصل "راه زندگی" بگنجد؛ یا داستان هفت‌خوان (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی،۱۳۹۶چ، صفحه۳۵) که در فصل"دانایی و هوشیاری" ذکر شده و بهتر آن بود که باتوجه به ماهیت حماسی آن، ذیل فصل بعد، یعنی "ایران من" ارائه می‌شد.

۳. گاهی ارتباط عمودی محتوای کتابها، به عنوان یکی از ویژگیهای لازم برای هر منبع درسی نقض می‌شود. چنان که طرح بحث "مبالغه" و "کنایه" در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۶چ، ص ۴۲)، به لحاظ ترتیب و توالی مناسب نیست، چرا که در درس پیش از آن دو، موضوع علامت جمع(ان) توضیح داده شده و در درس بعد نیز مبحث علائم ندا مندرج است.

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسشِ(هدفِ) پژوهش، یعنی وضعیت کتابهای فارسی دورهٔ دبستان از نظر صحت و اعتبار علمی، باید گفت در همخوانی با یافته‌های پژوهش قمری(۱۳۹۳)، بیشتر مطالب این کتابها از نظر علمی صحیح است، اما پاره‌ای موضوعات نیز صحت لازم را ندارد. عدم صحت و اعتبار علمی محتوای این کتابها در زمینه‌های توضیحات واژگانی، متن درسها، نام‌نامه، ویرایش، اطلاعات ادبی، کاربرد واژگان، مأخذدهی و در نهایت ساختار متنها و فصول مربوط، قابل دسته‌بندی است. از این گذشته، میان نوع محتوا و افزایش بسامد خطاهای محتوایی رابطه وجود دارد؛ به دیگر سخن، هرچه محتوای درسها تخصصی‌تر و ادبی‌تر می‌شود یا در متنها اطلاعات زبانی، ادبی یا روایی بیشتری ارائه می‌شود، تعداد خطاها نیز افزایش می‌یابد.

در صورتی که محتوای درسی ناصحیح یا مخدوش باشد، با توجه به اعتقاد راسخ اکثر مخاطبان آن به صحت محتوای مربوط، درک و دریافت آنان دچار اشکال و اختلال می‌شود و به بدفهمی می‌انجامد. کتابهای درسی دقیق، صحیح و پیراسته، نشان سامان‌یافتگی علمی و اهتمام به امر بنیادین تعلیم و تربیت است. از این رو، بر مدیران، برنامه‌ریزان و مؤلفان است که زمینهٔ بررسی، اصلاح و بهسازی کتابهای درسی را از منظر صحت علمی با مشارکت و مشاورهٔ متخصصان موضوعی تراز اول فراهم کنند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

منابع

احقر، قدسی. (۱۳۹۲). *ارزشیابی کتاب فارسی و کتاب کار پایهٔ دوم و ششم دورهٔ ابتدایی*. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

اشرف مازندرانی، محمدسعید. (۱۳۷۳). *دیوان*، به کوشش محمدحسن سیدان (چاپ اول). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

البوشنجی، ابوالحسن بن الهیصم. (۱۳۸۴). *قصص الانبیاء*، ترجمهٔ محمد بن اسعد بن عبدالله الحنفی التستری، تصحیح و تحقیق: سید عباس محمدزاده، (چاپ اول). مشهد: دانشگاه فردوسی.

امینی، امیرقلی. (۱۳۹۵). *داستان‌های امثال*(چاپ پنجم). تهران: فردوس.

انوری ابیوردی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *دیوان انوری*، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی (چاپ پنجم). تهران: علمی و فرهنگی.

انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*(چاپ اول). تهران: سخن.

اینفوگرافی/ آموزش و پرورش در سال تحصیلی جدید (۱۳۹۷). *ایسنا*، کد خبر ۹۷۰۷۰۱۰۰۶۳۲ ، ۹۷/۷/۲. قابل دسترسی در https://www.isna.ir/news/97070100632

برنامهٔ درسی دورهٔ کارشناسی پیوسته رشتهٔ آموزش ابتدایی (خاص دانشگاه فرهنگیان)، گروه علوم انسانی. (۱۳۹۴). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۴). *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی (چاپ نهم). تهران: زوار.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار. (۱۳۷۳). *دیوان خاقانی*، به کوشش ضیاءالدین سجادی (چاپ چهارم). تهران: زوار.

دستجردی، مهدی. (۱۳۹۳). *ارزشیابی از بستهٔ آموزشی زبان فارسی سوم ابتدایی*. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

زندی، بهمن. (۱۳۹۲). *اصول و مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی* (چاپ سوم). تهران: پیام نور.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۶الف). *فارسی اول دبستان (خوانداری)*، کد۱. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

_____. (۱۳۹۶ب). *فارسی پایهٔ هفتم، دورهٔ اول متوسطه*، کد ۱۰۱. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

_____. (۱۳۹۶ پ). *فارسی پنجم دبستان (خوانداری)*، کد ۲۰. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

_____. (۱۳۹۶ت). *فارسی چهارم دبستان (خوانداری)*، کد ۱۴. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

_____. (۱۳۹۶ث). *فارسی دوم دبستان (خوانداری)*، کد ۵. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]

_____. (۱۳۹۶ج). *فارسی سوم دبستان (خوانداری)*، کد ۹. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

_____. (۱۳۹۶چ). *فارسی ششم دبستان (خوانداری)*، کد ۳۴. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.

سرکارآرانی، محمدرضا. (۱۳۹۴). *درس‌پژوهی: ایده‌ای جهانی برای بهسازی آموزش و غنی‌سازی یادگیری* (چاپ سوم). تهران: مرآت.

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۷). *تعلیم و تربیت و مراحل آن*. مشهد: آستان قدس رضوی.

صدری‌افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین و حکمی، نسترن. (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی دوجلدی* (چاپ دوم). تهران: فرهنگ معاصر.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار (چاپ اول). تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

قمری، حیدر. (۱۳۹۱). *ارزشیابی کتاب درسی فارسی اول دبستان*. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

_____. (۱۳۹۳). *ارزشیابی کتاب درسی فارسی چهارم دبستان(خوانداری)*. گزارش طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

_____. (۱۳۹۵). ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دورهٔ دوم متوسطه بر اساس مؤلفه‌های "جامعیت" و "صحت و اعتبار علمی". *فصلنامهٔ مطالعات برنامهٔ درسی ایران*، *۱۱* (۴۲)، ۱۳۵-۱۵۲.

محمد بن منور. (۱۳۷۱). *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی (چاپ سوم). تهران: آگاه.

معیری، محمدطاهر. (۱۳۹۰). *مسائل آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

ملکی، حسن. (۱۳۸۵). مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی. *فصلنامه سخن سمت*، *۱۲* (۷)، ۹-۲۰.

_____. (۱۳۹۱). *برنامه‌ریزی درسی* (چاپ دهم). تهران: انتشارات مدرسه.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی. (۱۳۸۰). *مثنوی معنوی*، به تصحیح و پیش‌گفتار عبدالکریم سروش (چاپ ششم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

میک، یان. (۱۳۹۳). *پژوهش و نگارش کتاب درسی*، ترجمهٔ شهروز مرادزاده و رامین گلشایی (چاپ اول). تهران: سمت.

ناصر خسرو. (۱۳۷۸). *دیوان*، تصحیح مجتبی مینویی و مهدی محقق (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نصرالله منشی. (۱۳۶۱). *کلیله و دمنه*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی (چاپ ششم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۷). *هفت پیکر*، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان (چاپ سوم). تهران: نشر قطره.

Oxford English Dictionary. (2019). Oxford University Press. Available at: https://en.oxforddictionaries.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1398.35.1.5.2]